یادداشت

دستور زبان مدیریت!

محمدرضا مرادی‌طادی

جملات از نظر ساختار گرامری، یا دستور زبانی، از جهت داشتن یا نداشتن «کُننده (فاعل)» به دو دسته جملات «معلوم (active)» یا «مجهول (passive)» تقسیم می‌شوند. در جملات معلوم، فاعل کنش مشخص است. ولی در جملات مجهول فاعل کنش ذکر نمی‌شود؛ چراکه صرفا بر خود فعل تمرکز شده است. گوینده یا نویسنده می‌تواند به فراخور حال یکی از این ساختارها را انتخاب کند. امّا در دستور زبان مدیریتی -به‌ویژه در ایران- جملات تماما مجهول هستند. در متون دانشگاهی یا علمی تأکید بر جملات مجهول از این رو است که بی‌طرفی علمی رعایت شود و بیش از اینکه کُننده فعل محل توجه باشد -که بعضا اهمیتی ندارد- بر خود فعل (به عنوان موضوعی برای تحقیق) تمرکز شود. این کار اگرچه از نظر روش‌شناختی و اخلاق پژوهشی، در کارهای علمی، امری نیک محسوب می‌شود، ولی در دستور زبان مدیریتی نه‌تنها عیب است، بلکه به تداوم مشکلات نیز منجر خواهد شد. در دستور زبان مدیریتی تمام جملات ناظر بر وضعیت حال با قالب مجهول بیان می‌شوند، تا شرایط را امری طبیعی و خود به خودی نشان بدهند. برای مثال گفته می‌شود «قیمت سیمان در بازار دو برابر شد، چراکه ناترازی برق منجر به توقف تولید در کارخانه‌های سیمان شده است». این جملات نه‌تنها به ظاهر غلط نیستند، بلکه بسیار هم منطبق با واقعیت هستند. ولی در ساختار مجهولی یا پَسِوِ آنها نوعی کتمان حقیقت و وارونه‌نمایی وضعیت وجود دارد؛ زیراکه اساسا با حذف «فاعل» و تمرکز بر صِرف روند و فرایند مشخص نمی‌کنند کدامین مدیران و کدامین شیوه‌های مدیریت این وضعیت را ایجاد کرده است. پس اگر بخواهیم عدالت و حقیقت را در جملات مدیریتی رعایت کنیم، باید چنین بگوییم: «قیمت سیمان در بازار دو برابر شد، چراکه ناترازی برق ناشی از مدیریت فلانی و اتخاذ سیاست‌گذاری‌های بهمانی، تولید در کارخانه‌های سیمان را متوقف کرد!». این گونه جملات معلوم، شفاف و واضح نشان می‌دهد که مدیریت چه کسانی و کدام نوع سیاست‌گذاری‌ها این وضعیت را ایجاد کرده است. البته تأکید بر جملات معلوم در این تشریح و توصیف وضعیت برای مچ‌گیری سیاسی و نزاع جناحی نیست تا بخواهیم افراد را تخریب کنیم، بلکه برای نوعی بُرهان خُلف مدیریتی است؛ یعنی به تعبیری سعدی‌وار، شیوه درست مدیریتی را از که آموزیم، از نامدیران. هرچه آنان کردند و چنین شد، از آن پرهیز کنیم. از این تغییر دستور زبان مدیریتی، به دو دسته جهت‌گیری تحلیلی در مطالعات توسعه می‌رسیم. یک دسته از تحلیل‌ها را «عامل‌محور (Factor-based analysis)» و دسته دیگر را تحلیل‌های «کنشگرمحور (Agent-based analysis)» نام‌گذاری کرده‌اند. در تحلیل‌های عامل‌محور بر کلیت روند به‌مثابه چیزی طبیعی تأکید می‌شود. تلویحا موضوع این‌گونه قلمداد می‌شود که گویی غیر از این نمی‌توانست رخ بدهد: «تیم بارسلونا در نیمه‌نهایی اروپا دو گل خورد و حذف شد!». اما در تحلیل‌های کنشگرمحور دقیقا مشخص است که کدام کنشگر در زنجیره عللی که این پدیده را ایجاد کرده دخیل و مؤثر بوده است: «با اشتباه دفاع آخر بارسلونا، این تیم گل دوم را خورد و از رقابت‌های اروپایی حذف شد!». پیامد جمله اول این است که خُب به هر حال بارسلونا حذف شده و شاید تقدیر چنان بوده یا اساسا طبیعت این دور از رقابت‌ها چنین بوده است. ولی در جمله دوم توصیف دقیقی از واقعیت وجود دارد: اشتباه مدافع آخر. هر دو جمله خبری‌اند، ولی در این خبررسانی، تجویز دقیقی هم مستتر است؛ چراکه به مربی تیم و مدیر فنی توصیه می‌کند برای جلوگیری از نتایج مشابه یا باید دفاع آخر (تأکید بر فاعل)، یا شیوه دفاعی (تأکید بر سیاست‌گذاری) را تغییر بدهند. بنابراین باید توجه داشت که دستور زبان مدیریتی در ایران امروز صرفا نوعی از شیوه بیان و سخن‌گویی نیست، بلکه نوعی از جهان‌بینی مدیریتی و شیوه‌ای از تحلیل وضعیت است که خود مانعی بر سر بهبود شرایط و پیشبرد پروژه توسعه است. از این بدتر، جملات «باید»ی مجهول هستند؛ چراکه برخی از مدیران پا را از این‌گونه سخن‌گفتن و تحلیل شرایط فراتر گذاشته‌اند و دائم در سخنرانی و مصاحبه‌هایشان از جملات بایدی مجهول استفاده می‌کنند. مثلا «باید ظرفیت تولید هزار مگاوات برق برای رفع ناترازی در استان ایجاد شود!» خب حالا این «باید» خطاب به چه کسانی است؟ چه کسی مسئول پیگیری آن است؟ بودجه‌اش از کجا تأمین می‌شود؟ فناوری و تجهیزات لازم را از کجا می‌آورند؟ جزئیات اجرائی چیست؟ و سؤال‌هایی از این دست. همگی از مواردی هستند که توسط ساختار یک جمله بایدی مجهول نادیده گرفته می‌شوند تا در نهایت چیزی جز حرف‌های تکراری نصیب مملکت نشود.

خبر

تأکید مکرون بر اهمیت مذاکرات تهران-واشنگتن

رئیس‌جمهور فرانسه طی یک سخنرانی بر اهمیت مذاکرات غیرمستقیم تهران-واشنگتن در منع گسترش تسلیحات اتمی تأکید کرد. او همچنین هشدار داد غرب با سکوت در برابر اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه، اعتبار خود را در نزد دیگر کشورهای جهانی از دست خواهد داد.

به گزارش ایسنا، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در سخنرانی خود در نشست «گفت‌وگوی شانگریلا» در سنگاپور، با هشدار نسبت به خطرات اشاعه تسلیحات اتمی، بر اهمیت مذاکرات میان آمریکا و ایران برای دستیابی به توافقی در زمینه محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرد.

به گزارش شبکه قطری الجزیره، مکرون دراین‌باره گفت: مذاکرات میان تهران و واشنگتن درباره مسئله هسته‌ای برای جلوگیری از اشاعه هسته‌ای بسیار حائز اهمیت است.

مکرون همچنین درباره توسعه فعالیت‌های کره‌شمالی در این زمینه هشدار داده و بر اهمیت کنترل تسلیحاتی تأکید کرد.

ایران و آمریکا تاکنون پنج دور مذاکرات غیرمستقیم را با میانجیگری عمان انجام داده و با ادامه این مذاکرات توافق کرده‌اند. اگرچه هنوز جزئیات برگزاری دور ششم این مذاکرات اعلام نشده است، طرفین به‌طور کلی روند این مذاکرات را سازنده ارزیابی کرده و گفته‌اند مسقط پیشنهادهایی را در این دور از مذاکرات برای برطرف‌کردن اختلافات در مواضع طرفین مطرح کرده است.

مکرون در بخش دیگری از سخنرانی خود، درباره به کار بستن استانداردهای دوگانه درباره اوکراین، تایوان، غزه و تضعیف اعتبار نظم قانون‌مند جهانی هشدار داد.

او با اشاره به وضعیت غزه گفت: اگر غرب، غزه را به حال خود رها کند و اجازه دهد اسرائیل مطابق میل خود عمل کند، با خطر از دست دادن تمام اعتبار خود نزد بقیه جهان مواجه خواهد شد.

حملات رژیم صهیونیستی به غزه در حالی ادامه دارد که این شهر به دلیل محاصره انسانی و کمبود شدید مواد غذایی، با خطر قحطی و گرسنگی قطعی روبه‌رو است.

با وجود پیشنهادهای میانجی‌های توافق آتش‌بس میان جنبش حماس و رژیم صهیونیستی، هنوز پیشرفتی در این زمینه حاصل نشده است.

واکاوی ادعاهای متعدد رسانه‌ای درباره مذاکرات هسته‌ای در گفت‌وگو با مهدی خراتیان

تله روایت‌ها؟!

عبدالرحمن فتح‌الهی: مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا، آن‌گونه که در روایت‌های رسانه‌ای مانند لاریپابلیکا، رویترز و سی‌ان‌ان منعکس شده است، در چارچوبی پیچیده و چندلایه پیش می‌رود. این رسانه‌ها با طرح ادعاهایی نظیر توقف غنی‌سازی اورانیوم ایران در ازای رفع تحریم‌ها یا آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده، تلاش دارند تصویری از یک توافق قریب‌الوقوع ارائه دهند. بااین‌حال، واکنش‌های متفاوت مقامات در تهران، مشابه آنچه اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، از خود نشان داده و غنی‌سازی را «اصل غیرقابل مصالحه» خوانده، تصریح‌کننده پایبندی ایران به حقوق هسته‌ای خود است. هم‌زمان عراقچی هم در مقابل این‌دست روایت‌سازی‌ها، در شبکه ایکس نوشت: «مسیر توافق از میز مذاکره می‌گذرد، نه از طریق رسانه‌ها». این موضع، نه‌تنها رد شایعه‌های رسانه‌ای، بلکه هشداری به طرف‌های غربی برای اجتناب از تحمیل شرایط یک‌جانبه است. روایت‌سازی‌های رسانه‌ای، به‌ویژه با اشاره به «چارچوب مسقط» یا مذاکرات عمان و رم، به نظر می‌رسد بخشی از یک استراتژی برای ایجاد فشار روانی بر تهران باشد. این تاکتیک، با هدف القای وجود تفاهم‌های چندجانبه و قراردادن ایران در موقعیت «عمل انجام‌شده»، سعی در تضعیف موضع مذاکراتی ایران دارد. تهران در مذاکرات، با تأکید بر به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته‌ای و رفع کامل تحریم‌ها، رویکردی منطقی و مبتنی بر منافع ملی را دنبال می‌کند. در پیوست آنچه عنوان شد و ذیل گفت‌وگویی با مهدی خراتیان، لایه‌های پنهان این‌دست روایت‌سازی‌های رسانه‌ای را که ممکن است با اغراض سیاسی هدایت شوند، به بوته تحلیل برده‌ایم. در ادامه گپ‌وگفت با تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل، سعی شده سناریوهای موازی نیز واکاوی شود. متن پیش‌رو ماحصل این مصاحبه است.

●●●

جناب خراتیان، مصاحبه با حضرت‌عالی را از روایت‌سازی‌های موازی رسانه‌ای درباره مذاکرات شروع کنیم. در همین باره، هفته گذشته لاریپابلیکا، ذیل ادعا بر سر توافق موقت، از «توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران به مدت سه سال در ازای برداشته‌شدن بخشی از تحریم‌ها» نوشته بود که رد این خبر از سوی اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در همان نشست خبری هفته گذشته را شاهد بودیم. بااین‌حال، ۴۸ ساعت بعد این بار رویترز نیز به نقل از دو منابع ایرانی آگاه، مدعی شد «ایران ممکن است غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند، مشروط بر اینکه ایالات متحده دارایی‌های بلوکه‌شده ایران را آزاد کند و حق تهران برای غنی‌سازی اورانیوم برای مصارف غیرنظامی را به رسمیت بشناسد. این توافق در قالب یک «تفاهم سیاسی» می‌تواند زمینه‌ساز یک توافق جامع‌تر هسته‌ای شود» که این خبر هم با واکنش اسماعیل بقایی مواجه شد و آن را «خبرسازی کذب» دانست و غنی‌سازی را «اصل غیرقابل مصالحه» خواند. روز پنجشنبه لارا روزن، خبرنگار آمریکایی حوزه سیاست خارجی نیز با ادبیات دیگری همین بحث‌ها را تکرار کرد و نوشت که ایالات متحده و ایران در حال حاضر تلاش می‌کنند در صورت امکان، پیش از نشست آتی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۹ تا ۱۰ ژوئن (۱۹ یا ۲۰ خرداد)، متن چارچوبی تفاهم سیاسی خود را نهایی کنند. احتمالا این سند «چارچوب مسقط» نام خواهد گرفت؛ به افتخار پایتخت عمان که تاکنون پنج دور مذاکره میان آمریکا و ایران در مسقط و رم با میانجیگری آن برگزار شده است. هم‌زمان علی واعظ، مدیر برنامه ایران در گروه بین‌المللی بحران، گفته است: «فکر می‌کنم احتمالا هفته آینده یا آخر هفته آینده، قطعا یک دور دیگر از مذاکرات (بین آمریکا و ایران) برگزار خواهد شد تا بتوانند متن این توافق چارچوبی را نهایی کنند و این چارچوب بسیار کلی خواهد بود». سی‌ان‌ان هم خبر داده ایران و آمریکا بسیار به توافق نزدیک هستند و احتمال دارد در نشست بعدی، توافق را امضا کنند. این در حالی است که واقعیت‌ها و شکاف بین تهران و واشنگتن بر سر غنی‌سازی، هنوز دور ششم و ادوار پیش‌روی مذاکرات را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. حال به باورتان این‌دست روایت‌سازی‌ها که ادامه‌دار نیز به نظر می‌رسد، چه لایه یا لایه‌های پنهانی را شکار می‌کند؟ آیا مذاکرات چندکاناله وجود دارد یا آنکه طرف مقابل، با این‌دست روایت‌سازی‌های رسانه‌ای سعی دارد تهران را در یک مسیر یک‌طرفه و عمل انجام‌شده با هدف تحمیل توافق مد نظر واشنگتن قرار دهند؟

ما از اخبار و اطلاعات پشت پرده مذاکرات آگاهی نداریم و نمی‌دانیم آیا واقعا کانال دوم یا کانال موازی دیگری در حال گفت‌وگو و مذاکره است یا نه، اما براساس اخبار و شواهد، فعلا یک کانال رسمی مذاکره بین آقای عراقچی و استیو ویتکاف وجود دارد. شاید در این بین، جریان‌های حاشیه‌ای به دنبال کمک و هم‌افزایی در مسیر اصلی مذاکرات بین این دو طرف باشند، اما کانال اصلی بین عراقچی و ویتکاف است.

پس این فضاسازی رسانه‌ای را چگونه تحلیل می‌کنید؟ هم واکنش عباس عراقچی را داشتیم و هم اسماعیل بقایی را.

اولا من هم با این کلیدواژه موافقم و به نظرم یک فضاسازی رسانه‌ای در حال جریان است. بااین‌حال، درباره چرایی آن باید گفت اکنون دونالد ترامپ در قبال مذاکرات با ایران چند ملاحظه دارد: ملاحظه اول و اصلی ترامپ این است که فعلا نمی‌خواهد در قبال ایران تنش یا جنگی را شروع کند. بنابراین، در دوگانه خودساخته «میز مذاکره و جنگ»، ترامپ سعی می‌کند فعلا میز مذاکره را حفظ کند. از طرف دیگر، با توجه به تبعات پس از جنگ تعرفه آمریکا و نیز کنترل شوک‌های بزرگ به بازارهای نفتی، فعلا دونالد ترامپ در وضعیتی قرار ندارد که تمایل داشته باشد وارد فاز نظامی با تهران شود؛ چون اکنون اتکای آمریکا از شرکت‌های شیل به شرکت‌های سعودی منتقل شده است. به هر حال، در این بین شرکت‌های نفتی آمریکایی تداوم قیمت‌های پایین را به‌صرفه نمی‌دانند و منتقد رویکرد ترامپ هستند، اما ترامپ همچنان به همین رویکرد خود ادامه داده و باعث پایین‌آمدن قیمت جهانی نفت شده است. این موضوع از طریق کمک «اپک‌پلاس» پیگیری شد و این نشان می‌دهد که دونالد ترامپ نمی‌خواهد در نزدیک منابع تولید نفت و آبراه‌های نفتی، هیچ‌گونه درگیری و تنشی روی دهد؛ چون تلاش‌های چندماهه او عملا ناکام می‌ماند. به همین دلیل، ترامپ کماکان میز مذاکره با ایران را حفظ می‌کند.

اسرائیل اجازه تداوم این رویکرد را به ترامپ می‌دهد که کماکان میز مذاکره با ایران را حفظ کند؟ شاید در جدال ترامپ و شیل، رئیس‌جمهور آمریکا پیروز شود، اما در تقابل با اسرائیل چطور؟ روزنامه اسرائیلی جروزالم‌پست نوشته است مقامات اسرائیلی نسبت به احتمال توافق موقت یا سند تفاهم بین آمریکا و ایران ابراز نگرانی کرده‌اند.

اکنون اسرائیلی‌ها به دنبال فشار بر ترامپ برای ورود به فاز تنش نظامی هستند. آنها معتقدند تداوم مذاکرات و حفظ میز گفت‌وگو، باعث بسته‌شدن پنجره طلایی زمان حمله به ایران خواهد شد؛ چراکه اسرائیلی‌ها مدعی هستند در حمله ۲۶ اکتبر سال گذشته میلادی، ضرباتی به توان پدافندی و همچنین زنجیره تولید آفندی ایران وارد کرده‌اند و اگر تهران بتواند با تداوم مذاکرات با واشنگتن، برای خود زمان بخرد، فرصت لازم برای بازسازی توان خود را خواهد داشت و دیگر برخورد نظامی با ایران به این سادگی نخواهد بود. بنابراین، ملاحظه دوم دونالد ترامپ که در پاسخ به پرسش قبلی شما طرح شد، به همین پنجره زمانی اسرائیل بازمی‌گردد. ملاحظه سوم ترامپ ناظر بر موضوع اروپایی‌ها و احتمال فعال‌شدن مکانیسم ماشه است. اروپایی‌ها هم مانند اسرائیل به دنبال فشار بر آمریکا هستند؛ با این توجیه که ایران با تداوم مذاکرات، به دنبال خرید زمان با هدف پایان زمان استفاده از مکانیسم ماشه برای اروپایی‌هاست. با در نظر گرفتن این سه ملاحظه است که اکنون ترامپ به دنبال یک روایت مختص به خود از مذاکرات است و سعی دارد این‌گونه نشان بدهد که اکنون طرف آمریکایی آماده توافق است. صحبت‌های روز چهارشنبه دونالد ترامپ نیز مؤید همین موضوع بود و دوباره همان دو راه قبلی را مطرح کرد که در یک راه، ما لابراتوارهای هسته‌ای ایران را با نیروهای آن از بین ببریم یا اینکه خودشان این کار را انجام دهند، یعنی بازرسان آمریکایی این کار را انجام بدهند. پس در کل حرف ترامپ این است که اکنون قرارداد با همین یک خط آماده و همه چیز منتظر یک امضای ایران است. با توجه به همین نکات، من معتقدم هرگونه واژه‌سازی و روایت‌سازی رسانه‌ای در قالب توافق موقت، چارچوب مسقط و نظایر آن، با هدف تحمیل همان نکته‌ای است که در سؤال اولتان مطرح کردید؛ یعنی تحمیل معامله مد نظر ترامپ به تهران. در این بین، آمریکایی‌ها سعی دارند این‌گونه وانمود کنند که این بهترین توافق ممکن است؛ چون در غیر این صورت با شکست مذاکرات، ما با بازیگری به نام اسرائیل مواجهیم که به دنبال کوچک‌ترین فرصت برای حمله نظامی است و اروپایی‌ها که سعی دارند با فعال‌کردن مکانیسم ماشه، قطع‌نامه‌های سازمان ملل و تحریم‌های شورای امنیت را بازگردانند. یعنی ترامپ می‌خواهد این‌گونه از خود چهره‌ای نشان دهد که در برابر فشارهای اسرائیل و اروپا مقاومت کرده است و پیشنهادش، بهترین و کم‌هزینه‌ترین توافق برای تهران خواهد بود.

اتفاقا گزارش جدید وال‌استریت‌ژورنال به نقل از یک مقام آمریکایی هم تحلیل شما را تأیید می‌کند که نوشته بود: «ایالات متحده در حال آماده‌سازی ارائه پیش‌نویس شرایطی به ایران است که شامل توقف غنی‌سازی اورانیوم می‌شود و واشنگتن امیدوار است که این چارچوب، اسرائیل را به تعویق حمله قریب‌الوقوع به ایران متقاعد کند». ولی نکته حائز اهمیت اینجاست که بخشی از این روایت‌سازی رسانه‌ای مختص چهره‌ها و رسانه‌های دموکرات است. این را چگونه تحلیل می‌کنید؟ چرا ناگهان لارا روزن، علی واعظ و سی‌ان‌ان هم از احتمال توافق یا یک چارچوب اولیه سخن می‌گویند، درحالی‌که همین چند روز پیش مجید تخت‌روانچی به عنوان معاون سیاسی وزارت امور خارجه و عضو تیم مذاکره‌کننده، حتی اذعان کرد که پس از چند دور گفت‌وگو با طرف آمریکایی، هنوز دو طرف وارد جزئیات هم نشده‌اند؟

به نظر من اکنون جریان‌های رسانه‌ای و چهره‌های دموکرات هم با همین استراتژی کاخ سفید هماهنگ شده‌اند، یعنی اکنون خبرهایی که رویترز، نیویورک‌تایمز، سی‌ان‌ان، اکسیوس، لارا روزن، علی واعظ و... مطرح می‌کنند، در همین چارچوب قابلیت بحث و بررسی را دارد. به هر حال دموکرات‌ها هم با این استراتژی ترامپ همراه هستند.

ولی تفاوت معناداری بین چارچوب کلان و خرده‌چارچوب‌ها وجود دارد. کمااینکه علی واعظ عنوان کرده: «اگر آمریکا و ایران بتوانند توافق چارچوبی سیاسی را نهایی کنند، به شورای امنیت خواهند رفت تا سازوکاری برای تمدید اسنپ‌بک پیدا کنند و زمان بیشتری برای مذاکره بر سر توافقی جامع به دست آید و ترجیح این است که چنین توافقی با گام‌های عملی همراه باشد، مانند ارسال ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به خارج از کشور یا دیگر اقدامات اعتمادساز».

اینجا باید روشن کرد که اگر چارچوب مسقط، چارچوب سیاسی یا چارچوب موقت و هر چیز دیگری که امثال واعظ، روزن و دیگران مطرح می‌کنند، با حفظ خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران همراه باشد، می‌تواند در مسیر تکمیل چارچوب کلی و برای حصول توافق اصلی مؤثر باشد. اما واقع مطلب این است که از فحوای کلام دونالد ترامپ با توجه به گفته‌های چهارشنبه هفته گذشته او این‌گونه برمی‌آید که هنوز استراتژی کاخ سفید تغییر پیدا نکرده است. هنوز اختلافات تهران با واشنگتن بر سر مسئله غنی‌سازی وجود دارد و تهران هم همه این ادعاها را رد کرده است، بنابراین اینکه فردی مانند علی واعظ یا لارا روزن بخواهند به نام توافق مسقط، چارچوب موقت یا هر چیز دیگری یک توافق را به تهران تحمیل کنند، حتی با هدف آنکه مانع از فعال‌شدن مکانیسم ماشه یا عملیات نظامی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران شوند، باز هم همان استراتژی دونالد ترامپ است؛ اینکه ترامپ یک‌تنه جلوی فشارهای اسرائیل و اروپا برای اقدامات علیه ایران ایستاده و قبل از اینکه اسرائیل دست به حمله نظامی بزند یا اروپا مکانیسم ماشه را فعال کند، تهران باید به این توافق مد نظر دونالد ترامپ به عنوان بهترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر تن بدهد.

دراین‌بین و فقط در برهه کوتاهی ویتکاف یک موضع متفاوت درباره غنی‌سازی داشت و آن‌هم به‌سرعت تصحیح شد. اما اکنون روبیو، ویتکاف، ترامپ و دیگر اعضای کاخ سفید همه یک چیز را در قبال مذاکرات با ایران می‌گویند؛ اما با ادبیات و جمله‌بندی متفاوت. پس چیزی برای ایران تغییر نکرده است. آنها می‌گویند غنی‌سازی صفر و تمام؛ پس از منظر آنها، مذاکره چیز پیچیده و زمان‌بری نیست و توافق هم قرار نیست طولانی و فرسایشی شود. جالب‌تر اینجاست که تا آنجایی که من اطلاع دارم، درباره اینکه طرف مقابل چه سازوکار و مکانیسمی برای لغو تحریم‌های ایران دارد، هم هیچ چیزی مطرح نشده است؛ یعنی با وجود آنکه سعی دارند یک توافق را به تهران تحمیل کنند، با این محوریت که غنی‌سازی در ایران متوقف شود، در آن سو هنوز هیچ پیشنهاد روشنی برای لغو تحریم‌ها از سوی طرف آمریکایی مطرح نیست، تا جایی که به‌تازگی استیو ویتکاف در مصاحبه جدید خود هرگونه اقدامی از سوی آمریکا برای لغو تحریم‌ها را منوط به رفتار منطقه‌ای ایران می‌کند، یعنی عملا باید غنی‌سازی صفر درصد را بپذیریم، اما لغو تحریم‌ها منوط به موضوعات غیرهسته‌ای خواهد بود. در موضوع هسته‌ای، استدلال طرف آمریکایی این است همین که ما جلوی فشار اسرائیل و اروپا را گرفته‌ایم و مانع از حمله نظامی (اسرائیلی‌ها) و فعال‌شدن مکانیسم ماشه (اروپا) شده‌ایم، بزرگ‌ترین کمک و لطف ترامپ به ایران خواهد بود. پس اگر می‌خواهید تحریم‌ها برداشته شود، باید منوط به تغییر رفتار ایران در منطقه باشد. این گفته من، به معنای تأیید سیاست‌های آمریکا نیست. من صرفا دارم فضا را ترسیم می‌کنم.

با این گفته شما عملا واشنگتن با گروکشی و گران‌فروشی دارد «هیچ چیز» به نام «همه چیز» به تهران غالب می‌کند؛ اما سی‌ان‌ان یک روایت دیگر را هم مطرح کرده است ناظر بر اینکه «مقام‌های دولت ترامپ، از جمله استیو ویتکاف، به طور علنی اعلام کرده‌اند که خط قرمز آمریکا هرگونه غنی‌سازی اورانیوم از طرف ایران است. با این حال اظهارات روز چهارشنبه ترامپ نشان داد که او ممکن است با غنی‌سازی محدود تحت نظارت بازرسان، به عنوان راه‌حلی برای بن‌بست موجود، موافق باشد». این روایت سی‌ان‌ان، تحلیل شما را زیر سؤال نمی‌برد یا تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد؟

فضای سیاسی در کاخ سفید یک فضای دینامیک است و دراین‌بین آنچه گفتم، با استناد به بسیاری از شواهد و گفته‌های رسانه‌ای تأیید می‌شود. ببینید، واقع امر این است که شرایط اقتصادی آمریکا پس از جنگ تعرفه‌ها، مذاکرات هسته‌ای ایران را پیش برده است، یعنی شاید تا قبل از جنگ تعرفه‌ها و مشخصا در ماه مارس ۲۰۲۵، بوی جنگ بیشتر از بوی مذاکره به مشام می‌رسید. اما بعد از اتفاق دوم آوریل موسوم به روز آزادی آمریکا که تعرفه‌ها اعمال شد، همه چیز تغییر یافت و اتفاقا هفتم آوریل که ملتهب‌ترین روز وال‌استریت بود، دونالد ترامپ در مقابل بنیامین نتانیاهو رسما از آغاز مذاکرات با ایران گفت. همان روز هم که توییتی را منتشر کرد و مستقیما به موضوع نفت اشاره کرد و خطاب به جامعه آمریکا عنوان کرد: «نگران نباشید، بهای انرژی در ایالات متحده رو به کاهش است»؛ پس ما شاهد یک فضای دینامیک هستیم که بسته به موقعیت می‌تواند روند جدیدی را در پیش بگیرد. اکنون هم با توجه به طیف خواهان مذاکره با ایران در کابینه ترامپ از ونس گرفته تا ویتکاف و تولسی گابارد، آکسیوس خبر داده واشنگتن می‌تواند درباره غنی‌سازی به ایران، امتیازاتی را بدهد. اما همین نگاه، مخالفاینی مانند روبیو، استیون میلر و ردکلیف را در داخل کاخ سفید دارد. هر دو طرف در گوش ترامپ زمزمه می‌کنند؛ اینکه رئیس‌جمهور آمریکا چه موضع، چه راهبرد و چه سیاستی را در قبال مذاکرات و مسئله غنی‌سازی با ایران اتخاذ کند، بسته به شرایط زمانی و مکانی تغییر پیدا می‌کند و دراین‌بین پارامترها و فاکتورهای بسیار متفاوت و متعددی نقش‌آفرین هستند. بنابراین می‌خواهم بگویم که صرفا یک روایت سی‌ان‌ان مبنی بر اینکه احتمالا ترامپ با غنی‌سازی در ایران موافقت کند، هم نمی‌تواند مبنای یک تحلیل باشد، چون این هم یک روایت رسانه‌ای است که شاید درست باشد و شاید هم درست نباشد. قطعا نمی‌توان روی یک روایت رسانه‌ای تحلیل کرد. ما باید مجموعه پارامترها را در نظر بگیریم. اما حتی اگر ادعای سی‌ان‌ان درست باشد، نتیجه برخی فعل و انفعالات و مکانیسم‌ها داخل کاخ سفید است، یعنی اکنون هیچ چیزی بعید نیست، اما همه چیز به شرایط بستگی دارد. سؤال بزرگ اینجاست که آیا ترامپ چنین انعطاف بزرگی را در پذیرش حق غنی‌سازی با توجه به شرایط منطقه‌ای و داخلی آمریکا خواهد پذیرفت یا نه؟ فعلا موضع اصلی آمریکا این است که میز مذاکره با ایران به‌هیچ‌وجه ترک نشود، به‌ویژه بعد از دور پنجم در رم. چون تا قبل از آن، مقامات تهران و واشنگتن از طریق رسانه‌ها، مواضع خود را درباره غنی‌سازی می‌گفتند. اما در دور پنجم هر دو طرف صراحتا به همدیگر خط قرمزها را گوشزد کردند و با وجود این، همین که طرف آمریکایی میز مذاکره را ترک نکرده است، نشان می‌دهد که آنها هم به تداوم گفت‌وگوها نیاز دارند. پس اگر بخواهم در یک جمله پاسخ شما را بدهم، هیچ چیزی مانند آنچه سی‌ان‌ان عنوان کرده، بعید نیست؛ چراکه همه چیز با توجه به فعل و انفعالات و مکانیسم‌های کاخ سفید امکان وقوع دارد و بسته به آن، پنجره فرصت‌ها برای ایران باز و بسته خواهد شد.

ادامه در صفحه ۳

خبر

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای در اختتامیه همایش رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور: احکام جایگزین حبس باعث وهن نشوند

رئیس قوه قضائیه درباره احکام جایگزین حبس تأکید کرد: «تا آنجا که ممکن است، جایگزین حبس داده شود، اما نه به‌گونه‌ای که خود موجب وهن دستگاه قضائی شود». به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای در اختتامیه همایش رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور که با محوریت نحوه نظارت و ایجاد وحدت رویه قضائی دیوان عالی کشور برگزار شد، ضمن تشریح روش‌های جلوگیری از اطاله دادرسی و کاهش حجم ورودی پرونده‌ها، به نکات مهمی درباره اجرای احکام جایگزین حبس اشاره کرد. رئیس دستگاه قضا با تأکید بر فشار شدید کاری بر قضات گفت: «بعضا به قضات ما، دو الی سه ابلاغ مضاعف می‌شود و قاضی باید با دقت، سرعت و جامعیت رأی صادر کند. اینجاست که ارزش روحیه جهادی و دلسوزی یک قاضی آشکار می‌شود». او افزود که دستگاه قضائی باید آموزش‌های به‌روز و فناورانه را به قضات ارائه دهد و شیوه‌های ۱۰ سال پیش دیگر پاسخ‌گو نیست. محسنی‌اژه‌ای با اشاره به بازشدن فضا برای ورود نیروهای جوان و خوش‌فکر به بدنه قضائی تأکید کرد: سِمت بالاتر لزوما به معنای درک قضائی بالاتر نیست. رئیس قوه قضائیه درباره درخواست‌های اعمال ماده ۴۷۷ گفت: «وقتی مراجع قضائی زیرمجموعه به‌کرات آرای خلاف بین شرع صادر می‌کنند و درخواست اعمال ماده ۴۷۷ زیاد می‌شود، باید آسیب‌شناسی دقیق صورت گیرد و به‌راحتی از آن عبور نکنیم». او افزود اختلاف‌نظر بین مراجع صادرکننده رأی و مراجع بالاتر درخصوص خلاف بین شرع بودن آرا باید با بحث و فحص زیاد کاهش یابد. یکی از راهکارهای کاهش اطاله دادرسی، توجه به اتقان در تعیین صلاحیت‌ها است. محسنی‌اژه‌ای تأکید کرد: «نباید قاضی پرونده را چند ماه نزد خود نگه دارد و بعد اعلام کند صلاحیت رسیدگی ندارد؛ باید در همان ابتدا بررسی دقیق کند». در پایان، رئیس قوه قضائیه درباره احکام جایگزین حبس توصیه مهمی داشت: «تا آنجا که ممکن است، جایگزین حبس داده شود، اما نه به‌گونه‌ای که خود موجب وهن دستگاه قضائی شود یا در اجرا با مشکل مواجه شود. وقتی قرار است حکم جایگزین اجرا شود، باید متناسب با فرد محکوم و شرایطش سنجیده شود». او با طرح مثالی، بیان کرد که اگر به امام‌جمعه مرکز استان نامه زده شود که براساس حکم صادره موظف است به اجرای احکام گزارش دهد که محکوم هر هفته در نماز جمعه شرکت می‌کند یا خیر، این کار عملی و واقعی نیست؛ چون ورود افراد به نماز جمعه کنترل و کارت‌زنی ندارد و فرماندهان انتظامی یا سایر مسئولان نیز نمی‌توانند این امر را به درستی رصد کنند. بنابراین، این‌گونه احکام جایگزین باید با توجه به ظرفیت‌ها و امکان‌سنجی عملی طراحی و اجرا شوند تا باعث وهن نشوند.

امیر سرتیپ صباحی‌فرد: پدافند هوایی تمام پرندگان متخاصم را با چالش سنگین مواجه کرده است

فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا(ص) از منطقه راهبردی پدافند هوایی جنوب شرق کشور بازدید کرد و میزان آمادگی رزمی این منطقه پدافندی را مورد ارزیابی قرار داد. به گزارش ایسنا، در این بازدید، امیر سرتیپ صباحی‌فرد ضمن ادای احترام به مقام والای شهدا گفت: آمادگی رزمی و دفاعی ما باید روز به روز در حال پیشرفت باشد تا به دشمنان حتی اجازه گستاخی و لفاظی هم ندهیم. فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا(ص) اظهار کرد: منطقه پدافند هوایی جنوب شرق با وجود نیروی انسانی شجاع، باغیرت و متدین، در آزمون‌ها سربلند بوده و سد مستحکمی در آسمان خلیج فارس ایجاد کرده که تمام پرندگان متخاصم را با چالش سنگین مواجه کرده است.

او تأکید کرد: نیروی پدافند مدافع امنیت کشور است و با دشمنانی که قصد برهم‌زدن امنیت آسمان کشور را داشته باشند، برخورد می‌کند.